اصطلاح قرائت، روایت و طریق درعلوم قرآنی

استاد: ببینید اصطلاحی هست که چهار گزینه رباعی دارد که خیلی کاربرد دارد. میگویند قرائت، روایت، طریق و وجه. این چهارتا با هم است. مدام تکرار میکنند. در کتابها هم بزنید میآید. قرائت برای خود سبعه است. به تعبیری خودشان برای «امامٌ فی القرائه» است. همین تعبیری که ابن جزری برای شهید اول آوردهاند. جلوتر عرض کردم من که اینها را ندیده بودم میگفتم شاید ادعای تواتر کردهاند. بعد از اینکه شرح حال خودشان و اساتید ایشان را دیدم و همچنین ابن جزری که معاصر ایشان است میگوید «صحبنی مده و وه امام فی الفقه و النحو و القرائه»...؛ اینها تعبیرهای کمی نیست! میگوید امام! تعبیر «امام» اصطلاح است. ابن مجاهد امام را معنا میکند. در مقدمه السبعه میگوید که امام کیست.

جلوتر عرض کردم یک سنی در مورد ابن شهر آشوب میگوید: «تقدم فی علم القرائات»؛ «تقدم» یعنی امام عصر خود شده. ابن شهر آشوب هم اینچنین است. اینها چنین بزرگانی بودند که اگر یک حرفی میزدند همینطور جزاف نبوده است. قرائت چیست؟ قرائت تنها برای این امام است. امام فعلاً هفت نفر هستند؛ عاصم، نافع، حمزه و ... . اینها که امام در قرائت هستند و ابن مجاهد گفته، اگر طرقی به این امام برسد که در این مسیر از او اختلاف نکنند، این قرائت میشود. پس ما وقتی مجاز هستیم که بگوییم قرائت عاصم که در طریق شاطبیه و تیسیر تبصره، حفص و ابوبکر ابن شعبه از او یک چیز نقل کرده باشند. طرق دیگر بماند؛ فعلاً در طرق شاطبیه، تیسیر و تبصره هستیم. در طریق چهارده راوی، از عاصم دو راوی داریم؛ حفص و ابوبکر بن شعبه بن عیاش. هر کجا این دو با هم اختلاف نکنند، اسمش میشود قرائت عاصم. اما اگر این دو اختلاف کنند میشود روایة حفص عن عاصم، روایة شعبة عن عاصم.

شاگرد: از آنها شاذ در میآید؟

استاد: شاذ نیستند. هر دو متواتر هستند. اصلاً در این شکی ندارند. لذا علامه حلی در منتهی فرمودند «اجب القرائات الیّ روایة ابوبکر عن عاصم». اتفاقا ایشان حفص را نگفته اند. روایت را گفتهاند. هر دو هم متواتر هستند. نمیخواهند تواتر را زیر سؤال ببرند بلکه میگوید روایت با قرائت فرق دارد. خب شما میگویید عاصم که یک نفر است، یا این درست میگویید یا او؟ در فضای اقراء این واضحات آنها بوده که عاصم اقراءها داشته است. عاصم سی شاگرد دارد. چون امام بوده مختار دارد. بلکه مختارها دارد و افراد القرائه و افراد الرواية دارد؛ افراد الاختیاری و افراد الرواية. خود حفص خبر نداشت، بعد از مدتی که زند عاصم میرفت دید که قرائت او با ابوبکر با اینکه هر دو شاگرد عاصم هستند مختلف است. از او معروف است. زند استادش عاصم آمد و گفت: شما یکی هستید و هر دوی ما هم شاگرد تو هستیم، او به آن صورت میخواند و من به این صورت؟ گفت بله، این چیزی که من به تو گفته ام از ابی عبد الرحمان سلمی از امیرالمؤمنین علیهالسلام است، آن چه که به ابوبکر گفتم از زر بن حبیش از عبد الله بن مسعود است. این معروف است. ولی خود همین هم چقدر بحث دارد.

پس عاصم به این صورت بود. مانعی ندارد که هم حفص متواتر باشد و هم ابوبکر. قرآن فرخ خوان امین الدوله را عرض کردم. گفتم من آن را دارم. در همین ایران هم چاپ شده است. تجدید چاپ آن هم در ۴۸-۴۷ شمسی بوده است. دوباره تجدید چاپ شده. متن قرآن حفص از عاصم است. در حاشیه آن ابوبکر بن عیاش را هم دارد. شاید حدود پانصد مورد اختلاف این دو راوی است. هر دو هم متواتر هستند. اصلاً فقها گیری ندارند. شما عبارات آنها را ببینید. اصلاً مشکلی ندارند.

شاگرد: عدد بیستویکی را نفهمیدیم از کجا آمد.

استاد: بیستویکی این است که طرق دارند. روایت این شد که حفص و ابوبکر دو تا بشوند. این روایت میشود. دیگر ما قرائت عاصم نداریم چون دو تا از او نقل میشود. حالا به حفص بیاییم، حفص طرق دارد؛ از حفص شانزده راوی نقل میکنند. به این طریق میگوییم. یعنی از راوی این هفت نفر وقتی به سندهای بعدی میآییم میشود طریق. طریق عبید الله بن صباح، طریق عمرو به صباح تا شانزده نفر. حفص شانزده طریق دارد. این طرق است که بعداً نقش دارد معروف باشد یا نباشد؛ بازتابش در قرائ الامصار به چه صورت است. ابن مجاهد آمد از طرق خاصی به این هفت تا رساند. طرق هایی هست که مانده است. مثلاً اگر ابن مجاهد از حفص میگوید از شانزده تا سه تا را میگوید. چون اینها معروف بودند. برای او اینها صبغه قرائ الامصار داشتند. معروف در بستر جامعه بودند. قرائة الناس بودند. لذا اینها را انتخاب کردند. اما همین حفص طرق دیگری دارد که از او روایت آمده است. بیستویکی طریق یعنی مکی، تیسیر و دانی و شاطبی آمدند چهارده روایت قرائ سبعه را با طرق محدود که تنها بیستویکی قرائت بود؛ آن چهارده روایت را من با طرق متعدد؛ بعد از این چهارده روایت طرقی را ذکر میکنند که در مجموع بیستویکی طریق میشود. پس طریق یعنی بعد از حفص. بعد از ابوبکر. بعد از خلف. بعد از چهارده راوی این هفت نفر، طریق میشود. وقتی بیستویکی طریق ما را به رواة اربعة عشر برساند، این میشود طرق شاطبیه، طرق تیسیر... .

شاگرد: بیستویکی برای تکتک این چهارده نفر است؟

استاد: نه، مجموع آنها است. تا آن جایی که من میدانم مجموعش است. البته متأسفانه ما درس اینها را نخواندهایم. ولی به اندازهای که مطالعه کردم به این صورت است. گفتن من زمینهای میشود برای تحقیق شما.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:26:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 16:47:51 توسط ... .